



Quantitative analysis of additional Article 45 of the Anti-Narcotics Law in preventing the commission of narcotics-related crimes

Mohammad Akbari Mofrad¹, Mohammad Reza Konani²✉

Abstract

Field and Aims: The term criminal law has always been considered in all countries in order to increase the efficiency of laws, and based on this, many laws have been revised or articles have been added to them. Accordingly, in this way; Legislative criminal policy, which is the primary and upper layer of the country's criminal policy, is the guardian and the main authority for policy making in the field of drug crimes, regarding the effect of additional article ۴۵ of the Anti-Narcotics Law approved in 2016, which was adopted by the Islamic Majlis by adopting a series of criminal policies and The criminality of this single article was approved, this research aims to measure and examine the impact of this additional article from the point of view of judicial agents.

Method: The research method in this research is quantitative. The statistical population has reached theoretical saturation with 100 judicial agents, including judges, lawyers and other relevant people, and 100 people have been selected as a statistical sample using the population sample size formula.

Findings and Conclusions: In the quantitative part, the results of the linear regression analysis showed that although the adoption of this article reduced the death penalty and added some cases regarding execution in this article, these harsh penal measures have not been able to influence the judges' opinions. , the prevention and deterrence of drugs should be effective. In the direction of drug prevention and deterrence, only legal provisions are not enough, because in order to advance the preventive goals of the legislator, other components such as creating employment and removing economic obstacles and social inequalities must also be put on the agenda. Therefore, the effectiveness of social and situational prevention is more important than criminal prevention.

Keyword: Article 45 of the Anti-Narcotics Law, Prevention of crimes, Drugs, Judicial agents.

*Citation (APA): Akbari Mofrad, M.; Konani, M. (2023). Quantitative analysis of additional Article 45 of the Anti-Narcotics Law in preventing the commission of narcotics-related crimes. *Applied criminology research*, 1(2), 47-67.

https://qacr.ir/article_715535.html?lang=en

1. Master of Criminal Law and Criminology, University of Judicial Sciences and Administrative Services, Tehran, Iran. Email: akbarimofrad901201350@gmail.com

2. Master of Criminal Law and Criminology, Payam Noor University, Karaj Center, Karaj, Iran. (Author). Email: mohamadrezakoonani44@gmail.com



نوع مقاله: پژوهشی

Article Type: Research

doi: 10.22034/AQCR.2024.715535

سامانه: qacr.ir

تحلیل کمی ماده ۴۵ الحاقی قانون مبارزه با مواد مخدر در پیشگیری از ارتکاب جرائم مربوط به مواد مخدر

محمد اکبری مفرد^۱، محمدرضا کونانی^۲ ✉

چکیده

زمینه و هدف: اصطلاح حقوق کیفری به منظور افزایش کارایی قوانین همیشه در همه کشورها مورد توجه بوده و بر این اساس، قوانین زیادی مورد بازنگری قرار گرفته و یا موادی به آنها الحاق شده است. بر همین اساس، سیاست جنایی تقنینی که لایه اولیه و روین سیاست جنایی کشور است، متولی و مرجع اصلی سیاست گذاری در حوزه جرایم مواد مخدر است که در خصوص تاثیر ماده الحاقی ۴۵ قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۹۶ که توسط مجلس شورای اسلامی با اتخاذ یکسری سیاست های کیفری و جنایی این ماده واحده به تصویب رسید، این پژوهش درصدد است تا تاثیر این ماده الحاقی را از دیدگاه کارگزاران قضایی مورد سنجش و بررسی قرار دهد.

روش: روش تحقیق در این پژوهش به صورت کمی است. جامعه آماری با ۱۰۰ نفر از کارگزاران قضایی از جمله قضات و وکلا و سایر افراد مربوطه به اشباع نظری رسیده و نیز با استفاده از فرمول حجم نمونه جامعه، تعداد ۱۰۰ نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب شده اند.

یافته ها و نتایج: در بخش کمی نیز نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون خطی نشان داده که تصویب این ماده هر چند از مجازات اعدام کاسته و مواردی را نیز در مورد اعدام در این ماده افزوده، اما این تدابیر کیفری سخت نتوانسته است در خصوص تاثیر آرای قضات، پیشگیری و بازدارندگی از مواد مخدر موثر واقع شود. در راستای پیشگیری و بازدارندگی مواد مخدر صرفاً مواد قانونی کافی نیستند، چرا که برای پیشبرد اهداف پیشگیرانه، قانونگذار باید مولفه های دیگری همچون ایجاد اشتغال و رفع موانع اقتصادی و نابرابری های اجتماعی را نیز در دستور کار قرار دهد. بنابراین، اثرگذاری پیشگیری اجتماعی و وضعی بر پیشگیری کیفری مقدم است.

کلیدواژه ها: ماده ۴۵ قانون مبارزه با مواد مخدر، پیشگیری از جرایم، مواد مخدر، کارگزاران قضایی.

* استناددهی (APA): اکبری مفرد، محمد؛ کونانی، محمدرضا. (۱۴۰۲). تحلیل کمی ماده ۴۵ الحاقی قانون مبارزه با مواد مخدر در پیشگیری از ارتکاب جرائم مربوط به مواد مخدر. پژوهش های جرم شناسی کاربردی، ۱(۲)، ۴۷-۶۷.

https://qacr.ir/article_715535.html

۱. کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران.
رایانامه: akbarimofrad901201350@gmail.com
۲. کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه پیام نور مرکز کرج، کرج، ایران. (نویسنده مسئول).
رایانامه: mohamadrezakoonani44@gmail.com

مقدمه

در عصر حاضر، یکی از مسائل اصلی، اساسی و به تعبیری دیگر، مهم‌ترین آسیب اجتماعی که سلامتی و امنیت انسان را با خطر بسیار اساسی مواجه ساخته، بحث مواد مخدر و روان‌گردان می‌باشد. بحث مواد مخدر معضل خاص یک کشور نیست، بلکه یک مشکل جهانی است. مشکل مواد مخدر و اثرات آن بر نیروی انسانی جامعه و بُعد اقتصادی به نحو قابل‌ملاحظه‌ای مورد توجه بوده است. مبارزه با مواد مخدر، این بلای خانمان‌سوز عصر حاضر، تمام دولت‌ها، ملت‌ها و به طور عام، جوامع انسانی را با شدت و ضعف‌های متفاوتی به چالش کشیده و به عنوان یکی از برنامه‌های سیاسی و اجتماعی در اولویت، مورد توجه قرار گرفته است. امروزه، بخش عمده‌ای از جمعیت جامعه، به خصوص جوانان و نوجوانان، در معرض آسیب و خطرات ناشی از سوء مصرف مواد مخدرها هستند (معین، ج ۱، ۱۳۸۸: ۱۲۲۷). از این رو، تا جایی که به پژوهش حاضر مربوط است، مبارزه و مقابله با این پدیده شوم نیازی مبرم است و بخصوص عاملان یا مرتکبان به آن نیز باید مورد مجازات قرار گیرند.

در این راستا، در اصطلاح حقوق کیفری، صاحب‌نظران تعاریف مختلفی از مجازات ارائه کرده‌اند؛ مثلاً، بیان داشته‌اند که مجازات عبارت است از تنبیه و کیفری که بر مرتکب جرم تحمیل می‌شود (علی آبادی، ۱۳۵۲: ۱). همچنین، در بیان مفهوم حقوقی مجازات به عنوان پیامد فعل مجرمانه می‌توان گفت واژه مجازات در علم حقوق از معنی لغوی آن، یعنی تنبیه مجرم به علت ارتکاب جرم، ریشه گرفته است. منتها، مفهوم مجازات به عنوان عکس‌العمل جامعه در برابر جرم، در عصر ما به صورت یک نهاد سامان‌یافته، برای حفظ ارزش‌های معتبر اجتماعی از طرف قانون‌گذار پذیرفته شده است. با توجه به هدف‌های خاص، درباره کسانی که دست به ارتکاب جرم می‌زنند، مجازات از طرف دادگاه‌های کیفری در مورد آنها به اجرا گذارده می‌شود. از این دیدگاه، «مجازات عبارت است از هر نوع صدمه یا محدودیتی که بر طبق قانون و به منظور تحقق‌بخشیدن به هدف‌های خاصی، از طرف دادگاه نسبت به جسم و جان، حیثیت، آزادی، مال و دارایی مجرم تحمیل می‌شود مانند: اعدام، قصاص نفس و عضو، زدن حد تازیانه یا شلاق تعزیری، جزای نقدی، حبس‌های کوتاه‌مدت یا بلندمدت و نظایر آنها» (ولیدی، ۱۳۸۸: ۳۴۳).

در تعریف دیگری، مجازات عبارت است از عکس‌العمل اجتماعی به صورت رنج و تعب که بر بزه‌کار اعمال می‌شود. مجازات توأم با رنج و تعب است و همین خصوصیت باعث می‌شود تا مجازات ماهیتاً از تدابیر پیشگیری از وقوع جرم و الزام به جبران ضرر و زیان در

دعاوی حقوقی متمایز شود. مجازات‌ها ذاتاً آزاردهنده و آسیب‌رساننده هستند. خصوصیت آزاردهنده مجازات، ناشی از هدف سزادهی آن است. مجازات، عذاب و دردی است که بزهکار باید آن را تحمل کند؛ زیرا خود به دیگری یا دیگران این درد و ناراحتی را تحمیل کرده است و در یک تناسب به ظاهر منطقی، جبران رنجی که بر سرکسی وارد آمده است، با رنجی که تحمل می‌شود، امکان‌پذیر می‌شود. به علاوه، به نظر بکاریا، هدف، کیفر رساندن نیست، ولی کیفر در صورتی دارای تأثیر مطلوب خواهد بود که رنج حاصل از آن بیش از سودی باشد که در جرایم به دست می‌آید (بکاریا، ۱۳۹۵: ۷۷). بر این اساس، جرمی بتام بر اساس اصل حسابگری، عجین‌بودن کیفر با رنج و زیان را تأمین‌کننده هدف بازدارندگی می‌داند و کیفر را متضمن درد و رنج تلقی می‌کند. «رنج واقعی یا باطنی» که به بزهکار تحمیل می‌شود و برای هر بزهکار در مقایسه با بزهکار دیگر متفاوت است و «رنج ظاهری» که به حسب آن چه انسان‌ها از کیفر می‌دانند، در منخبله پدیدار می‌شود. وی معتقد است که این رنج ظاهری است که باید به آن اهمیت داده شود، زیرا افراد را از ارتکاب بزه باز می‌دارد (پرادل، ۱۳۸۸: ۶۲).

بر این منوال، سزادادن یکی از نقش‌های واکنش اجتماعی جامعه علیه جرم و بزهکاری بوده که بر اثر اندیشه عدالت‌گستری در اذهان عمومی بوجود آمده است تا جایی که مجازات اثر وضعی عمل مجرمانه و مکافات عملی است که بزهکار به جبران تقصیری که مرتکب شده است، مستحق آن است؛ زیرا عدالت اقتضاء می‌کند که هیچ کار زشت یا عمل مجرمانه‌ای بی‌پاسخ نماند. اندیشه سزادادن برای تحمیل مجازات بر بزهکار، به اندازه صدمه‌ای که از ناحیه مرتکب به مجنی علیه وارد شده است، قدیمی‌ترین هدف مجازات است که از پیشینیان بجای مانده است و امروزه نیز این هدف در اجرای مجازات مورد نظر می‌باشد و در نظام‌های کیفری این موضوع تعقیب می‌شود؛ مثلاً مجازات قصاص اعم از قصاص نفس یا قصاص عضو، نمونه‌ای از این طرز تلقی از مجازات به هدف سزادادن است (ولیدی، ۱۳۸۸: ۵۳). به علاوه، تعدیب و نمایش آن در نظام جزایی سنتی جزایی از مجازات و فلسفه مجازات بود و نمایش تنبیه با هدف ارباب جامعه و بازدارندگی ارتکاب جرم صورت می‌گرفت. هدف و کارکرد قصدشده از نمایش این بود که دیگران با مشاهده سرنوشت غم‌بار مجرم و زجری که بر او تحمیل می‌شود، عبرت گیرند و از ارتکاب عمل ممنوعه دوری جویند؛ اما نمایش تنبیه اعدام در ملاءعام کارکردهای پنهانی که توسط عاملان آن در نظام جزایی قصد و پیش‌بینی نشده بود را در پی داشت. آثار و پیامدهای این عمل در طول دهه‌های متوالی، موضوع بحث و نقد و

سخنوری‌های آتشین بود و ده‌ها کتاب پژوهشی در ابعاد حقوقی، جرم‌شناختی و جامعه‌شناختی آن توسط محققان به رشته تحریر درآمد. در سال ۱۷۶۴ میلادی، یعنی حدود ۲۵۰ سال پیش، بکاریا در نقد اعدام در ملاء عام گفت: «قتل که هم‌چون جرمی دهشتناک به ما معرفی می‌شود، بار دیگر با خونسردی و بدون ندامت و پشیمانی تکرار می‌شود». در نتیجه‌ی انتقادات وسیعی که مطرح گردید، تمایل به انتقال مجازات‌های خشن به بخش پنهان فرایند کیفری به وجود آمد. به گفته میشل فوکو، «اثرگذاری تنبیه محصول حتمیت آن تلقی شد، نه شدت قابل دیدن بودن آن. آنچه باید از ارتکاب جرم جلوگیری کند، نه نمایش نفرت‌انگیز مجازات در ملاء عام، بلکه قطعی بودن تنبیه و مجازات است» (بکاریا، ۱۳۹۵: ۸۰). البته، در ایران نقد و بررسی قانون الحاقی ماده به قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۲ مهر ۱۳۹۶ که در افهام عامه به «حذف اعدام» موصوف شده، نشان می‌دهد که سیاست کیفری ایران در این مقررده جدید لزوماً نظر به حذف اعدام^۱ نداشته و حتی در برخی موارد، رویکرد افزایشی دارد. این مقررده در بستر سیاست کیفری سختگیرانه تبلور یافته و طی آن هنوز مقنن به اثر بازدارندگی اعدام اعتقاد راسخ دارد (ساکو و کونانی، ۱۳۹۸: ۱۰۳). با این اوصاف، مجازات اعدام به رغم موافقان و مخالفان بسیار با دیدگاه‌های شدیداً متعارض، همواره در بسیاری از کشورها وجود داشته است. اعمال مجازات اعدام معمولاً برای جرایم مهم و عمدۀ پیش‌بینی می‌شد و از جمله مواردی که می‌تواند در ردیف این‌گونه جرایم قرار گیرد، جرایم مواد مخدر است. به رغم این که جنبشی در جهت لغو مجازات اعدام، بخصوص پس از گسترش اسناد حقوق بشر بین‌المللی در سطح جهان پدید آمده است، هم‌چنان برخی از کشورها یکی از اشکال کیفر مجرمان را اعدام قرار داده‌اند (صلح چی و نصیری، ۱۳۹۷: ۱۴۴).

بدین صورت، سیاست جنایی تقنینی که لایه اولیه و روئین سیاست جنایی یک کشور را تشکیل می‌دهد، در ایران با توجه به مقررات جرایم مواد مخدر، می‌توان گفت متولی و مرجع اصلی سیاست‌گذاری در این خصوص، مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌باشد. سیاست جنایی تقنینی فعلی در مورد جرایم مواد مخدر، به استثنای پدیده اعتیاد، عمدتاً مبتنی بر شدت مجازات‌ها نظیر اعدام، حبس ابد و ادرسی افتراقی غیرعادلانه می‌باشد. قانونگذار خواسته یا ناخواسته با وضع مجازات‌های سنگین و شدید، سیاست جنایی تسامح صفر^۲ یا بدون تسامح را در پیش گرفته است؛ ولی نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که اهداف مورد انتظار حاصل نگردیده است (اکبری، ۱۳۹۳: ۱۰). در نظام کیفری اسلام نیز از جمله اصول بنیادین، حق

۱. نیست کردن، نابودکردن، عمل آویختن، به دار زدن.

2. Zero Tolerance

حیات و کرامت انسانی است. کشتن یک انسان (ولو به عنوان مجازات) نیاز به دلایل قوی (حکماً و موضوعاً) دارد، هرچند قانون‌گذار ایران پس از انقلاب در پیش‌بینی مجازات اعدام گشاده‌دستی کرده و به دور از این احتیاط عمل کرده است. بی‌جهت نیست که قانون مبارزه با مواد مخدر از صافی شورای نگهبان گذر نکرده و با مهر مجمع تشخیص مصلحت نظام اجرایی شده است (حدادزاده نیری و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۰).

بنابراین، در ماده الحاقی قانون مبارزه با مواد مخدر، یعنی ماده ۴۵ الحاقی سال ۱۳۹۶، به منظور پیشگیری کیفری و اتخاذ سیاست جنایی تقنینی مناسب‌تر، قانون‌گذار به تقنین این ماده سیاست‌های لازم را به این منظور، یعنی پیشگیری از جرایم مربوط به مواد مخدر^۱، به عمل آورد که قبل از تصویب این ماده، با رشد فزاینده‌ی مواد مخدر مقابل بود. در عمل، کارگزاران قضایی استان لرستان نیز تابع تصمیمات مقنن، سیاست‌های قضایی لازم را به عمل می‌آورند که به نظر می‌رسد با تصویب این ماده هم به منظور پیشگیری از جرایم مربوط به مواد مخدر و هم کاهش مجازات اعدام، باز سیاست‌های تقنینی مقنن موفق نبوده است. درست است که با الحاق این ماده به قانون به سمت حفظ حیات حقوق بشر و تعالی انسانی و حفظ کرامت انسانی حرکت کرده است، اما با تصویب این ماده باز هم مجازات اعدام پابرجا هست و این ماده تا حدودی با افق‌های پیشگیری نتوانسته به این سمت و سو روی آورد. فلذا، در تحقیق و پژوهش حاضر، با انجام پژوهش‌هایی در قالب پژوهش‌های میدانی، از کارگزاران در خصوص تاثیر ماده الحاقی ۴۵ قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۹۶ که توسط مجلس شورای اسلامی با اتخاذ یکسری سیاست‌های کیفری و جنایی، این ماده واحده به تصویب رسید، می‌خواهیم ببینیم آیا از دیدگاه قضات، این ماده واحده تاثیرگذار بوده است یا خیر. به عبارت دیگر، این پژوهش با هدف بررسی دیدگاه کارگزاران قضایی در خصوص تاثیر ماده ۴۵ قانون مبارزه با مواد مخدر الحاقی در پیشگیری از ارتکاب جرایم مربوط به مواد مخدر انجام خواهد گرفت.

۱. منظور از جرایم مربوط به مواد مخدر در این تحقیق و با توجه به موضوع تحقیق، عبارت است از بندهای ۱-۲-۳ ماده ۱ قانون مبارزه با مواد مخدر.
- ماده ۱: اعمال زیر جرم است و مرتکب به مجازاتهای مقرر در این قانون محکوم می‌شود: ۱. کشت خشخاش و کوکا مطلقاً و کشت شاهدانه به منظور تولید مواد مخدر یا روان‌گردان‌های صنعتی غیردارویی. ۲. وارد کردن، ارسال، صادر کردن و تولید و ساخت انواع مواد مخدر یا روان‌گردان‌های صنعتی غیردارویی. ۳. نگهداری، حمل، خرید، توزیع، اخفا، ترانزیت، عرضه و فروش مواد مخدر یا روان‌گردان‌های صنعتی غیردارویی.

پیشینه پژوهش و ادبیات نظری

پیشینه پژوهش

موسوی مجاب، احمد زاده و رستمی (۱۳۹۹)، در پژوهشی با عنوان «واکاوی سیاست جنایی قانون‌گذار در ماده ۴۵ الحاقی به قانون مبارزه با مواد مخدر»، به این نتیجه رسیده‌اند که در نظام کیفری ایران، از همان ابتدا سیاست جنایی واحدی در قبال مبارزه با جرایم مواد مخدر اتخاذ نشده است؛ گاهی قانون‌گذار به شدت با این موضوع با وضع قوانین سخت‌گیرانه به مقابله پرداخته و در برخی زمان‌ها حتی اقدام به جرم‌زدایی از برخی جرایم سابق نموده است. قانون‌گذار در آخرین ماده الحاقی به قانون مبارزه با مواد مخدر، تلاش کرده تا گستره شمول کیفر اعدام نسبت به مرتکبان جرایم مواد مخدر را کاهش دهد؛ سیاستی که همسو با فشارهای بین‌المللی و در تقابل با ایده شدت کیفر، مد نظر قانون‌گذار قرار گرفته است تا در چارچوب آن، به هدف عقلانی کردن نظام واکنش کیفری به مواد مخدر دست یابد.

کاکاوند و میلانی (۱۳۹۸)، در پژوهشی با عنوان «تحلیل ماده ۴۵ الحاقی به قانون مبارزه با مواد مخدر با هدف محدودسازی مجازات اعدام»، به این نتیجه رسیده‌اند که ماده ۴۵ الحاقی قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۹۶/۷/۱۲ با هدف محدودسازی مجازات اعدام می‌باشد؛ تخفیف در جرایم تعزیری امری پذیرفته‌شده و مورد اتفاق حقوقدانان است، اما در این میان، قانون مبارزه با مواد مخدر تنها امکان اعمال تخفیف را در مجازات‌های خود به عنوان نهاد ارفاقی پیش‌بینی کرده است. بر اساس مصالح و مفاسدی که حاکم و ولی فقیه تشخیص می‌دهد، از مجازات اعدام می‌توان برای جلوگیری و مبارزه با مواد مخدر بهره جست، اما باید توجه داشت که در هر صورت، تعیین مجازات اعدام برای مرتکبین این جرایم در صورتی ممکن است که اطلاق مفسد فی الارض یا عناوین مشابه بر وی امکان داشته باشد و در واقع، عنصر مادی و معنوی این جرم محقق شود؛ نسبت نهادهای ارفاقی قانون مجازات اسلامی را با مجازات‌های قانون مبارزه با مواد مخدر تبیین کند.

حسینی، سلطانی و صفری (۱۳۸۶)، در پژوهشی با عنوان «تأثیرات عدم همسویی سیاست جنایی تقنینی و قضایی ایران در نگرش متهمین و محکومین جرائم مواد مخدر»، به این نتیجه رسیده‌اند که ماده ۴۵ الحاقی قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۹۶/۷/۱۲ با هدف محدودسازی مجازات اعدام می‌باشد؛ تخفیف در جرایم تعزیری امری پذیرفته‌شده و مورد اتفاق حقوقدانان است، اما در این میان، قانون مبارزه با مواد مخدر تنها امکان تخفیف را در مجازات‌های خود به عنوان نهاد ارفاقی پیش‌بینی کرده است. بر اساس مصالح و مفاسدی که

حاکم و ولی فقیه تشخیص می دهد، می توان از مجازات اعدام برای جلوگیری و مبارزه با مواد مخدر بهره جست، اما باید توجه داشت که در هر صورت، تعیین مجازات اعدام برای مرتکبین این جرایم در صورتی ممکن است که اطلاق مفسد فی الارض یا عناوین مشابه بر وی امکان داشته باشد و در واقع، عنصر مادی و معنوی این جرم محقق شود؛ نسبت نهادهای ارفاقی قانون مجازات اسلامی را با مجازات های قانون مبارزه با مواد مخدر تبیین کند.

ادبیات نظری

۱. مواد مخدر، تعریف و انواع آن

در تعریف کلمه «مخدر» می توان گفت گروهی از آکالوئیدهای مشتق شده از خشخاش تریاک (سومینفروم پاپاور) مانند مرفین، کدیین و مشتقات آن ها مانند هرویین هستند (نوری نژاد، ۱۳۸۹: ۳۳). مخدر گروهی از آکالوئیدهای مشتق شده از خشخاش تریاک (سومینفروم پاپاور) مانند مرفین، کدیین و مشتقات آن ها مانند هرویین هستند (منبع: کتاب اصطلاحات و اطلاعات مواد مخدر، نوری نژاد، ۱۳۸۹). همچنین، ماده یا مواد مخدر نامی عمومی برای انواع مختلفی از داروها و ترکیبات طبیعی یا شیمیایی است که اغلب به دلیل احتمال ایجاد وابستگی به مصرف جزء مواد اعتیادآور طبقه بندی شده و معمولاً، خرید و فروش آن ها ممنوع است (رحمانیان، ۱۳۸۵). ۱- تاریکی. ۲- سیر و سیاحت. ۳- چشم پوشی. ۴- سردی. ۵- لازم گرفتن چیزی. ۶- جایگزین شدن که همه این ها بزدلی، عقب ماندگی، سرگردانی، کودنی و بی غیرتی را به دنبال دارند و تمام این معانی در معتاد به مواد مخدر متحقق می باشند؛ اعم از این که مواد مایع را استعمال کند یا جامد آن را (قربانی و اکبری، ۱۳۹۳: ۱۲۲).

به تعبیر دیگر، قربانی و فتاح (۱۳۹۱) در تعریفی اصطلاحی عنوان می کنند که «هرگونه ترکیب گیاهی و شیمیایی که باعث دگرگونی در سطح هوشیاری مغز شده و باعث ایجاد اعتیاد در فرد و وابستگی به ماده مصرفی می گردد، ماده مخدر نامیده می شود. این تعریف شامل تمام انواع مواد مخدر فعلی و آنچه در آینده پدید آید، است».

مواد مخدر شامل ترکیباتی است که موجب تغییر در کارکرد مغز به صورت ایجاد حالات هیجانی، رفتارهای ناهنجار، عصبانیت یا اختلال در قضاوت و شعور فرد می شود (محبوبی منش، ۱۳۹۲: ۷۰ به نقل از یوسفوند، ۱۳۹۸). همچنین، مواد مخدر اصطلاحی است که از سال ۱۳۳۸ در نظام قانونگذاری و سازمان های مبارزه کننده با ترویج این مواد در ایران مورد استفاده قرار گرفته است. به عبارت دیگر، به تمام موادی که بر انسان اثر گذاشته و وابستگی جسمی و روانی به وجود می آورند، مواد مخدر گفته می شود. واژه مخدر در لغت اسم فاعل

(خدر) از مصدر اسم تخدیر است (طاهریان، ۱۳۹۴: ۸ به نقل از یوسفوند، ۱۳۹۸). مواد مخدر در پزشکی به ماده شیمیایی القاءکننده گیجی، کما و بی‌حسی نسبت به درد گویند (آن را ماده مخدر ضد درد نیز می‌گویند). در حوزه کنترل بین‌المللی داروها، مواد مخدر یعنی هر دارویی که در کنوانسیون ۱۹۶۱ آورده شده است (منبع: کتاب اصطلاحات و اطلاعات مواد مخدر، نوری نژاد، ۱۳۸۹). همچنین، شایان ذکر است که شبه‌مخدرها یک اصطلاح عمومی است که برای مخدرها و مواد مشابه سنتزی به کار می‌رود. این مواد اثراتی (بخصوص، در تسکین درد) مشابه مرفین دارند (نوری نژاد، ۱۳۸۹).

در مجموع، انواع مواد مخدر به دسته‌ها و گونه‌های زیر تقسیم‌بندی می‌شود:

الف- تقسیم‌بندی مواد مخدر بر مبنای تهیه دارو:

۱- داروهایی که از منابع طبیعی (گیاهی) به دست می‌آیند مثل: تریاک، حشیش و ماری‌جوانا (سستی)؛

۲- داروهایی که از منابع معدنی و صنعتی در لابراتوارها و آزمایشگاه‌ها تهیه می‌شوند، مثل متادون، لومینال‌ال‌اس‌دی و هرویین.

همچنین، در این دسته، مواد مخدر را می‌توان به سه دسته کلی تقسیم کرد:

الف- مواد مخدر سستی‌زا مانند مشتقات گیاه خشخاش و هروئین؛ ب- مواد توهم‌زا مانند دی‌اتیل‌تریتامین‌ها؛ ج- مواد توان‌افزا مانند برگ‌کوکا.

مواد روانگردان نیز به چهار گروه تقسیم‌بندی می‌شوند:

الف- محرک‌ها مانند کوکائین و کافئین، سرکوب‌گرها مانند الکل، مرفین و هروئین؛ ج- توهم‌زاها مانند ماری‌جوانا و ال‌اس‌دی؛ د- مخدرها (باقری نژاد، ۱۳۹۰: ۱۷۲).

ب- تقسیم‌بندی مواد مخدر بر مبنای نوع تأثیری که بر روی بدن انسان دارند:

۱- داروهای مخدر یعنی داروهایی که ایجاد رخوت و سستی می‌نمایند مثل تریاک؛

۲- داروهای مسکن مثل مرفین؛

۳- داروهای محرک مثل آمفتامین‌ها؛

۴- داروهای مهیج مثل کوکائین؛

۵- داروهای وهم‌آور و خیال‌انگیز مثل حشیش؛

۶- داروهای زایل‌کننده مثل ال‌اس‌دی (جعفرآبادی و همکار، ۱۳۸۸).

۲. مواد روان گردان، تعریف و ویژگی ها

اغلب مواد مخدر با توجه به تاثیراتی که بر روی مغز می گذارند، دارای خاصیت روان گردانی هستند. بنابراین، اطلاق واژه روان گردان اختصاص به گروه خاصی از مواد مخدر ندارد (وزیران، ۱۳۸۲: ۲۳).

با این اوصاف، کلمه روان گردان از دو واژه روان و گردان ترکیب یافته است و در مفهوم لغوی، ویژگی دارویی است که سبب تغییر حالت های روانی شخص می شود. اجمالاً، منظور از مواد روان گردان، هر ماده اعم از طبیعی یا صنعتی (دارویی / شیمیایی) است که بر روی سیستم اعصاب مرکزی انسان تأثیرگذار است و استعمال نابجای آن ایجاد وابستگی می کند (صفاتیان، ۱۳۸۲: ۹).

مواد روان گردان فرآورده های دارویی، شیمیایی و صنعتی هستند که بر روی سیستم اعصاب مرکزی بدن تأثیر می گذارند. به عبارت دیگر، داروهایی که بر رفتار، هشیاری و یا خلق و خو تأثیر گذارند، روان گردان نامیده می شوند (شعاع کاظمی، ۱۳۸۶: ۱۴).

مواد روان گردان شامل مواد توهم زا، مواد محرک و آرام بخش هاست (صرامی، ۱۳۸۲: ۳۸). داروهای توهم زا مجموعه ای متنوع و نامتجانس و شامل مواد طبیعی و مصنوعی هستند که تغییراتی را در نظام حسی و ادراکی حالات عاطفی و خلقی فرد ایجاد می کنند. این داروهای روان گردان یا روان پزشکی، علاوه بر ایجاد توهمات، موجب قطع ارتباط فرد با واقعیت و بسط و گسترش هوشیاری می شوند. از مهم ترین مواد توهم زای مصنوعی می توان از آل. اس. دی نام برد که در سال ۱۹۸۳ تولید شد. سایر مواد توهم زا عبارتند از: دی. ام. تی، پی. ام. آ، اس. تی. پی و دی. او. ام. توهم زا های کلاسیک طبیعی عبارتند از پسیلو سیبین، هارمین، هارمالین، مسکالین و...

به لحاظ مواد محرک، این گروه از مواد (مثل اکستاسی) معمولاً موجب تحریک فعالیت سلسله مرکزی اعصاب و افزایش هوشیاری شده و برای ایجاد تحمل زیاد، بالابردن عملکرد احساس نشاط و سرخوشی مصرف می شود. از مشهورترین مواد این گروه، می توان از آمفتامین ها و اکستاسی نام برد. آمفتامین ها و مواد مشابه اکستاسی مجموعاً به عنوان مواد محرک و تحت عنوان «ا. تی. اس.» قرار گرفته است که بیشترین میزان کشفیات آن در جهان بعد از حشیش مربوط به ا. تی. اس است و از این گروه، بیشترین کشفیات اکتاسی مربوط به ایالات متحده آمریکا و سپس، هلند گزارش شده است. صرف نظر از آثار جسمی چون ازدیاد ضربان قلب و فشار خون و ازدست دادن اشتها، انفارکتوس میوکارد، تشنج و مرگ، باید از بروز

حالات روانی خاص چون بی‌قراری، بی‌خوابی، تحریک‌پذیری، رفتار خصمانه و بی‌باکانه، اغتشاش شعور، اختلالات اضطرابی و توهمات و کژکاری جنسی و بروز اختلال خلقی نام برد (شیخ‌آبادی، ۱۳۷۹: ۴۵). برخی کوکائین و کراک را نیز از رایج‌ترین مواد محرک‌ها قلمداد کرده‌اند. کراک شکل خالص کوکائین و بی‌نهایت قوی است و استفاده از آن به میزان زیاد می‌تواند آثاری چون سراسیمگی، تحریک‌پذیری، اختلالات قضاوت، رفتار جنسی بالقوه خطرناک و تکانشی، پرخاشگری و احتمالاً نشانه‌های مانیا (شیدایی) داشته باشد. کوکائین در بین این مواد، بیش از همه با تشنج همراه است و از این لحاظ، آفتامین‌ها در ردیف دوم قرار دارند.

آرام‌بخش‌ها یا باربیتورات‌ها شامل مواد و داروهایی است که بر سیستم اعصاب مرکزی بدن تأثیر گذارده و با کند کردن فعالیت آن اغلب در مصرف‌کننده ایجاد آرامش می‌کنند و از این نظر شبیه الکل هستند. از این داروها معمولاً برای رفع درد یا ایجاد خواب و آرامش استفاده می‌شود. از مهم‌ترین مصادیق این دسته می‌توان از سکونال، دیازپام، فلورازپام، متی‌پریلون و حتی متادون نام برد. اگرچه داروهای مزبور دارای مصارف پزشکی نیز هستند، اما استفاده نابه‌جا و مداوم آن‌ها می‌تواند باعث وابستگی و بروز آثار جسمی و روانی خاص گردد. از مهم‌ترین آثار روانی استفاده نابه‌جا از مواد مزبور خصوصاً با میزان بالا، اختلال در فکر کردن، تیرگی شعور، تندخویی، اختلال در درک زمان و مکان، گیجی، افکار هذیانی و... است (باصری، ۱۳۸۴: ۶۹).

استنشاقی‌ها نیز مواد شیمیایی هستند که بخارهایی دارای خواص روان‌گردان از خود متصاعد می‌کنند و یا در آن‌ها این خواص وجود دارد؛ عمده‌ترین این مواد عبارتند از: چسب، بنزین، تینرهای نقاشی، اتر و...

گروه‌های آرام‌بخش، باربیتوریک، خواب‌آور و مسکن: این گروه از مواد و داروها که به طور وسیع توسط پزشکان و یا خوددرمانی مورد استعمال قرار می‌گیرد، اگر بیش از حد مورد نیاز و طولانی‌مدت مصرف شود، آثار زیانباری در مصرف‌کننده به وجود می‌آورد. توتون (نیکوتین): دود سیگار از ترکیبات خود سیگار- کاغذ و توتون- تشکیل شده و نیکوتین ماده اعتیادآور توتون است که از هر محلی از بدن از جمله پوست، ریه‌ها، بینی، مخاط دهان، معده و روده به طور سریع جذب بدن می‌شود و در سلسله اعصاب مرکزی نفوذ می‌کند و اثرات زیانباری بر سلامتی مصرف‌کننده دارد. برخی آثار مصرف نیکوتین عبارتند از: افزایش

فشار خون، ضربان قلب، بیماری های قلبی و تنفسی و ایجاد سرطان به خصوص در دهان، مری و ریه (خدادوست، ۱۴۰۰).

یافته ها

یافته های استنباطی

فرضیه اول

به نظر می رسد تصویب این ماده هرچند از مجازات اعدام کاسته و مواردی را نیز در مورد اعدام در این ماده افزوده، اما این تدابیر کیفی سخت نتوانسته است در خصوص پیشگیری از مواد مخدر موثر واقع شود. برای آزمون این فرض، از آزمون تحلیل رگرسیون استفاده شده است.

جدول ۱. آزمون تحلیل رگرسیون اثر ماده الحاقی بر پیشگیری از مواد مخدر

نام متغیر	R	R ²	B	Beta	T	F	Sig
الحاق ماده ۴۵ قانون و پیشگیری از مواد مخدر	۰/۰۳۸	۰/۰۰۱	۰/۱۱۵	۰/۰۳۸	۰/۵۰۱	۰/۲۵۱	۰/۶۱۷

در جدول فوق، به منظور بررسی اثر ماده الحاقی ۴۵ قانون مبارزه با مواد مخدر بر پیشگیری از مواد مخدر، از تکنیک آماری تحلیل رگرسیون استفاده شده است. بر اساس نتایج حاصله، همبستگی بسیار ضعیفی ($R=0/038$) بین اثر ماده الحاقی ۴۵ قانون مبارزه با مواد مخدر و پیشگیری از مواد مخدر وجود دارد. مقدار $R^2=0/001$ نشان می دهد که ماده الحاقی ۴۵ قانون مبارزه با مواد مخدر کمتر از یک درصد از واریانس متغیر وابسته (پیشگیری از مصرف مواد مخدر) را تبیین می کند. ضریب $B=0/115$ نشان می دهد که به ازای هر واحد افزایش در متغیر مستقل (اثر ماده الحاقی ۴۵ قانون مبارزه با مواد مخدر)، $0/115$ واحد به متغیر وابسته (پیشگیری از مصرف مواد مخدر) افزوده می شود. با توجه به مقادیر $T=0/501$ ، $F=0/251$ و $Sig=0/617$ ، رابطه مشاهده شده بین دو متغیر در سطح ۹۹ درصد معنی دار نیست، لذا فرضیه فوق رد می شود. لازم به ذکر است در بخش کیفی پژوهش هم به طور تلویحی به بی اثری این ماده الحاقی با بندهایی اشاره شده و می توان گفت یافته های کیفی و کمی در راستای هم هستند.

فرضیه دوم

با توجه به تصویب این ماده در قانون مبارزه با مواد مخدر، ماده موصوف نتوانسته است اهداف بازدارندگی را اجرا کند.

جدول ۲. آزمون تحلیل رگرسیون اثر ماده الحاقی بر بازدارندگی از مواد مخدر

نام متغیر	R	R ²	B	Beta	T	F	Sig
الحاق ماده ۴۵ قانون و بازدارندگی از مواد مخدر	۰/۱۳۹	۰/۰۱۹	۰/۳۸۷	۰/۱۳۹	۱/۸۶۱	۳/۴۶۴	۰/۰۶۴

در جدول فوق، به منظور بررسی اثر ماده الحاقی ۴۵ قانون مبارزه با مواد مخدر بر بازدارندگی از مواد مخدر، از تکنیک آماری تحلیل رگرسیون استفاده شده است. بر اساس نتایج حاصله، همبستگی بسیار ضعیفی ($R=0/139$) بین اثر ماده الحاقی ۴۵ قانون مبارزه با مواد مخدر و بازدارندگی از مواد مخدر وجود دارد. مقدار $R^2=0/019$ نشان می‌دهد که ماده الحاقی ۴۵ قانون مبارزه با مواد مخدر حدود دو درصد از واریانس متغیر وابسته (بازدارندگی از مصرف مواد مخدر) را تبیین می‌کند. ضریب $B=0/115$ نشان می‌دهد که به ازای هر واحد افزایش در متغیر مستقل (اثر ماده الحاقی ۴۵ قانون مبارزه با مواد مخدر)، واحد به متغیر وابسته (بازدارندگی از مصرف مواد مخدر) افزوده می‌شود. با توجه به مقادیر $F=3/464$ ، $T=1/861$ و $Sig=0/064$ ، رابطه مشاهده شده بین دو متغیر در سطح ۹۹ درصد معنی دار نیست، لذا فرضیه فوق رد می‌شود. لازم به ذکر است در بخش کیفی پژوهش هم به طور تلویحی به بی‌اثری این ماده الحاقی با بندهایی اشاره شده و می‌توان گفت یافته‌های کیفی و کمی در راستای هم هستند.

فرضیه سوم

به نظر می رسد آرای قضات در خصوص پیشگیری قضایی هرچند با صادرکردن آرای سخت و سنگین باز نتوانسته است در خصوص جرایم مرتبط با مواد مخدر پیشگیری های لازم را به عمل آورد.

جدول ۳. آزمون تحلیل رگرسیون اثر آرای قضات بر پیشگیری از مواد مخدر

نام متغیر	R	R ²	B	Beta	T	F	Sig
آرای قضات و پیشگیری از مواد مخدر	۰/۰۷۶	۰/۰۰۶	۶/۰۰۵	۰/۰۷۶	۷/۷۶۰	۱/۰۲۴	۰/۳۱۳

در جدول فوق، به منظور بررسی اثر آرای قضات درباره ماده الحاقی ۴۵ قانون مبارزه با مواد مخدر بر پیشگیری از مواد مخدر، از تکنیک آماری تحلیل رگرسیون استفاده شده است. بر اساس نتایج حاصله، همبستگی بسیار ضعیفی ($R=0/076$) بین اثر آرای قضات درباره ماده الحاقی ۴۵ قانون مبارزه با مواد مخدر و پیشگیری از مواد مخدر وجود دارد. مقدار $R^2=0/006$ نشان می دهد که آرای قضات درباره ماده الحاقی ۴۵ قانون مبارزه با مواد مخدر کمتر از یک درصد از واریانس متغیر وابسته (پیشگیری از مصرف مواد مخدر) را تبیین می کند. ضریب $B=6/005$ نشان می دهد که به ازای هر واحد افزایش در متغیر مستقل (اثر آرای قضات درباره ماده الحاقی ۴۵ قانون مبارزه با مواد مخدر)، $1/005$ واحد به متغیر وابسته (پیشگیری از مصرف مواد مخدر) افزوده می شود. با توجه به مقادیر $T=7/760$ ، $F=1/024$ و $Sig=0/313$ ، رابطه مشاهده شده بین دو متغیر در سطح ۹۹ درصد معنی دار نیست، لذا فرضیه فوق رد می شود. لازم به ذکر است در بخش کیفی پژوهش هم به طور تلویحی به بی اثری آرای قضات در این زمینه اشاره شده است.

فرضیه چهارم

به نظر می‌رسد برای اجرای اهداف پیشگیری علاوه بر پیشگیری‌های کیفری، بایستی در کنار آن از دانش جرم‌شناسی پیشگیری که یکی از شاخه‌های جرم‌شناسی کاربردی است، استفاده کرد؛ یعنی با پیشگیری اجتماعی و وضعی در کنار پیشگیری کیفری می‌توان از جرایم مربوط به مواد مخدر پیشگیری کرد و میزان این جرایم را کاهش داد.

جدول ۴. آزمون تحلیل رگرسیون اثر پیشگیری اجتماعی و وضعی بر پیشگیری کیفری

Sig	F	T	Beta	B	R ²	R	نام متغیر
۰/۰۰۰	۸۶/۴۱۰	۲/۷۳۴	۱/۲۵۴	۰/۳۸۷	۰/۳۲۹	۰/۵۷۴	پیشگیری اجتماعی و وضعی و پیشگیری کیفری

در جدول فوق، به منظور بررسی اثر پیشگیری اجتماعی و وضعی بر پیشگیری کیفری ناشی از قانون مبارزه با مواد مخدر، از تکنیک آماری تحلیل رگرسیون استفاده شده است. بر اساس نتایج حاصله، همبستگی مثبت و قوی‌ای ($R=0/574$) بین اثر پیشگیری اجتماعی و وضعی بر پیشگیری کیفری وجود دارد. مقدار $R^2=0/329$ نشان می‌دهد که پیشگیری اجتماعی و وضعی می‌تواند ۳۳ درصد از واریانس متغیر وابسته (پیشگیری کیفری) را تبیین کند. ضریب $B=0/387$ نشان می‌دهد که به ازای هر واحد افزایش در متغیر مستقل (پیشگیری اجتماعی و وضعی)، $0/387$ واحد به متغیر وابسته (پیشگیری کیفری) افزوده می‌شود. با توجه به مقادیر $F=86/410$ ، $T=2/734$ ، $Sig=0/000$ ، رابطه مشاهده‌شده بین دو متغیر در سطح ۹۹ درصد معنی‌دار است، لذا فرضیه فوق تایید می‌شود. لازم به ذکر است در بخش کیفی پژوهش هم به طور تلویحی به اثرگذاری پیشگیری اجتماعی و وضعی بر پیشگیری کیفری به صورت مکرر اشاره شده است.

یافته‌های کمی

یافته‌های این پژوهش در دو بخش توصیف آماری و استنباط آماری انجام شده است. توصیف آماری مربوط به اطلاعات جمعیت‌شناختی ۱۰۰ پرسشنامه تکمیل‌شده در بین کارگزاران قضایی از جمله وکلا، دانشجویان رشته حقوق، اساتید دانشگاه، قضات، کارشناسان دادگستری و دایرهای دادرها بوده است. در ارتباط با متغیر سن، یافته‌ها نشان داده که گروه سنی ۴۰ تا ۴۹ ساله‌ها دارای بیشترین توزیع فراوانی با ۴۲ درصد هستند. در زمینه جنسیت هم ۶۶ درصد پاسخگویان مرد و بقیه خانم هستند. متغیر تاهل هم بیشترین فراوانی به متاهلان با فراوانی ۶۳

درصد اختصاص دارد. اطلاعات مربوط به سطح تحصیلات پاسخگویان نشان می‌دهد که ۴۰/۰ درصد سطح تحصیلات پاسخگویان در حد فوق لیسانس بوده که بیشترین فراوانی را داراست و پایین تر از آن، ۱۲/۰ درصد پاسخگویان در مقطع تحصیلی دیپلم و فوق دیپلم هستند. لازم به ذکر است که درصد بالایی از پاسخگویان دارای تحصیلات عالی و دانشگاهی هستند که به نظر می‌رسد برای آگاهی از مسایل حقوقی و کارگزاری قضایی، یک الزام به شمار می‌رود. همچنین، اطلاعات مربوط به وضعیت سازمانی و فعالیت پاسخگویان به عنوان کارگزاران قضایی نشان داده که کارشناسان دادگستری با فراوانی ۲۵ درصد، بالاترین گروه و دادیارهای دادسراها و شوراهای حل اختلاف با فراوانی ۱۵ درصد، کمترین گروه در میان پاسخگویان هستند. نهایتاً، اطلاعات مربوط به وضعیت سابقه فعالیت پاسخگویان نشان داده که ۲۹/۰ درصد از آنها سابقه فعالیت بین ۱۰ تا ۱۵ سال دارند و کمترین فراوانی با ۸ درصد به سابقه شغلی ۵ تا ۱۰ سال تعلق دارد.

در بخش استنباطی نیز به بررسی رابطه بین متغیرها پرداخته شده و با استفاده از آزمون تحلیل رگرسیون خطی، فرضیات پژوهش آزمون شده‌اند. در اولین فرض، نتایج نشان داده است که تصویب این ماده هرچند از مجازات اعدام کاسته و مواردی را نیز در مورد اعدام در این ماده افزوده، اما این تدابیر کیفری سخت نتوانسته است در خصوص پیشگیری از مواد مخدر موثر واقع شود. لازم به ذکر است در بخش کیفی پژوهش هم به طور تلویحی به بی‌اثری این ماده الحاقی با بندهایی اشاره شده و می‌توان گفت یافته‌های کیفی و کمی در راستای هم هستند.

در فرض دوم هم الحاق ماده ۴۵ بازدارندگی معناداری نداشته است. بر اساس نتایج حاصله، همبستگی بسیار ضعیفی ($R=0/139$) بین اثر ماده الحاقی ۴۵ قانون مبارزه با مواد مخدر و بازدارندگی از مواد مخدر وجود دارد و رابطه مشاهده شده بین دو متغیر در سطح ۹۹ درصد معنی دار نیست، لذا فرضیه فوق رد می‌شود. لازم به ذکر است در بخش کیفی پژوهش هم به طور تلویحی به بی‌اثری این ماده الحاقی با بندهایی اشاره شده و می‌توان گفت یافته‌های کیفی و کمی در راستای هم هستند.

در فرضیه سوم نیز به نظر می‌رسد آرای قضات در خصوص پیشگیری قضایی هرچند با صادر کردن آرای سخت و سنگین باز نتوانسته است در خصوص جرایم مرتبط با مواد مخدر پیشگیری‌های لازم را به عمل آورد. بر اساس نتایج حاصله، همبستگی بسیار ضعیفی ($R=0/076$) بین اثر آرای قضات درباره ماده الحاقی ۴۵ قانون مبارزه با مواد مخدر و

پیشگیری از مواد مخدر وجود دارد و رابطه مشاهده شده بین دو متغیر در سطح ۹۹ درصد معنی دار نیست، لذا فرضیه فوق رد می شود. لازم به ذکر است در بخش کیفی پژوهش هم به طور تلویحی به بی اثری آرای قضات در این زمینه اشاره شده است.

نهایتاً، در فرض چهارم به نظر می رسد برای اجرای اهداف پیشگیری علاوه بر پیشگیری های کیفی، بایستی در کنار آن از دانش جرم شناسی پیشگیری که یکی از شاخه های جرم شناسی کاربردی است، استفاده کرد؛ یعنی با پیشگیری اجتماعی و وضعی در کنار پیشگیری کیفی می توان از جرایم مربوط به مواد مخدر پیشگیری کرد و میزان این جرایم را کاهش داد. بر همین اساس، به منظور بررسی اثر پیشگیری اجتماعی و وضعی بر پیشگیری کیفی ناشی از قانون مبارزه با مواد مخدر، از تکنیک آماری تحلیل رگرسیون استفاده شده است. بر اساس نتایج حاصله، همبستگی مثبت و قوی ای ($R=0/574$) بین اثر پیشگیری اجتماعی و وضعی بر پیشگیری کیفی وجود دارد. مقدار $R^2=0/329$ نشان می دهد که پیشگیری اجتماعی و وضعی می تواند ۳۳ درصد از واریانس متغیر وابسته (پیشگیری کیفی) را تبیین کند. بنابراین، رابطه مشاهده شده بین دو متغیر در سطح ۹۹ درصد معنی دار است، لذا فرضیه فوق تایید می شود. لازم به ذکر است در بخش کیفی پژوهش هم به طور تلویحی به اثر گذاری پیشگیری اجتماعی و وضعی بر پیشگیری کیفی به صورت مکرر اشاره شده است.

بحث و نتیجه گیری

پیشگیری از جرم هر چند یک قانون تصویب شده در نظام حقوقی و قضایی کشور است، اما برای اجرای آن نیاز به توسعه همکاری در بین نهادهای رسمی و غیر رسمی است و بدون شک، پیشگیری از جرم فرایندی تعاملی بین مردم و نهادهای مرتبط با مسایل حقوقی و قضایی است و وجود تعامل سازنده دوجانبه می تواند روند پیشگیری را کارآمدتر کند. در حوزه جرایمی مانند مواد مخدر نیز این تعامل بهتر از سایر حوزه ها جواب می دهد و با آموزش قوانین به صورت همگانی می توان میزان ارتکاب چنین جرایمی را در کشور کاهش داد؛ چرا که این امر باعث می شود تا افراد با شناخت وضعیت خود و جامعه پیرامونی و نیز هنجارهای مورد توجه آنها به درک درست تری از هزینه های بزهکاری دست یابند و از انجام آن منصرف شوند. علاوه بر این، پشتوانه قرارداد دادن قوانین برای توسعه راهبردهای پیشگیرانه یکی از تجارب موفق در این زمینه است که در بسیاری از کشورهای توسعه یافته و با نرخ پایین جرایم وجود دارد. در ایران نیز هر چند سال به منظور تاثیر گذاری بالای قوانین، بازنگری و بازبینی هایی در قوانین به منظور کنترل و پیشگیری از جرایم صورت می گیرد که بازنگری و الحاق ماده ۴۵

قانون مبارزه با مواد مخدر در پیشگیری از ارتکاب جرایم مربوط به مواد مخدر یکی از این تلاش ها بوده است.

برای بررسی اثرگذاری این قانون، دو راهبرد کمی و کیفی برای سنجش و فهم اثرگذاری این قانون به بحث گذاشته شده که در بحث کیفی، با انجام مصاحبه هایی از کارگزاران قضایی مشخص شد که این قانون اثرگذاری قابل توجهی نداشته و تاثیر مطلوبی در پیشگیری از جرایم نداشته است؛ چرا که برای پیشبرد اهداف پیشگیرانه، قانونگذار می بایست مولفه های دیگری همچون ایجاد اشتغال و رفع موانع اقتصادی و نابرابری های اجتماعی را نیز در دستور کار خود قرار می داد. علاوه بر این، برای به دست آوردن موفقیت هایی در این حوزه نباید صرفاً به عدالت کیفری امیدوار بود و باید تلاش های پیشگیری اجتماعی و وضعی در اولویت نهادهای تصمیم گیر قرار گیرد؛ چرا که تا زمانی که آرای قضات صرفاً جنبه کیفردهی داشته باشند و مراقبت های پساکیفری جهت بازگشت پذیری مجرمین مواد مخدر به جامعه وجود نداشته باشد، نمی توان آمیدی به بهبود وضعیت کنونی داشت. علاوه بر این، نباید از نقش تربیتی خانواده ها و مدرسه بر خودکنترلی جوانان در پرهیز از مصرف مواد مخدر غافل بود. خودکنترلی موثرترین راه مقابله با مصرف مواد مخدر است و مواد مخدر دیگر محدود به یک جامعه نیست، بلکه تمام مرزهای جهانی را درنوردیده و جوانان که پشتوانه توسعه آینده جوامع به شمار می آیند، جزء اولین قربانیان این سوداگری مرگ محسوب می شوند. بنابراین، مبارزه با مواد مخدر و پیشگیری از آسیب ها و تهدیدهای ناشی از آن موضوع مهمی است که هم مردم و هم دستگاه های اجرایی باید در مورد آن با احساس تکلیف همکاری کنند. به طور کلی، یافته های این پژوهش محصول اظهارنظرهای کارگزاران قضایی در مورد تاثیر ماده الحاقی ۴۵ قانون مبارزه با مواد مخدر در پیشگیری از ارتکاب جرایم مربوط به مواد مخدر است. این افراد در مورد قانون فوق نظرات متفاوت و بعضاً متعارضی را بیان کرده اند و در یک جمع بندی در یک وفاق چندگانه، نظرات خود را در مورد تاثیرگذاری در تکرار جرم، بازدارندگی از ارتکاب جرم، تاثیر افزایشی یا کاهش جرایم، تاثیر پیشگیرانه آرای قضات و نقاط قوت و ضعف قانون الحاقی به منظور پاسخ به سوالات پژوهش ارایه کرده اند. از نظر آنان، این قانون الحاقی با استدلال هایی که ارایه شد، هم دارای نقاط ضعف و قوت و هم دارای تاثیرگذاری و بازدارندگی بوده است و در مواردی که این اعتقاد بیان شده که این قانون فاقد بازدارندگی است، دلایل عدم بازدارندگی از نظر شخصی مشارکت کنندگان بیان شده است. بنابراین، می توان گفت بررسی این قانون به بررسی های کارشناسی بیشتری نیاز دارد و در مواردی با

اصلاح‌هایی که ضعف‌های موجود را ترمیم کند، می‌تواند مفیدتر واقع شود. هرچند برخی از کارگزاران قضایی عقیده دارند که مشخصاً، فحوای ماده ۴۵ قانون مزبور منافی بازدارندگی لازم در خصوص جرائم حوزه مواد مخدر ندارد، اما در این فرایند باید معیارهایی را مورد توجه قرار داد که در چنین شرایطی، این ماده الحاقی باعث فرار قاچاقچیان مواد مخدر از کیفر شدید خواهد شد. بنابراین، باید در آرای قضات، توجه ویژه‌ای به آثار جرائم ارتكابی متأثر از ایرادات قوانین سابق مد نظر قرار گیرد. همچنین، آنچه محتوای این ماده الحاقی نشان می‌دهد، فقط مجازات اعدام ملاک نبوده؛ بلکه این ماده با در نظر گرفتن شرایطی به دنبال کاهش موارد اعمال آن است؛ یعنی به رویکرد بازدارندگی و پیشگیرانه آن توجه شده که باید قضات در فرایند دادرسی به این مساله توجه داشته باشند.

پیشنهادها

در نتیجه، مهمترین پیشنهاداتی که می‌تواند با توجه به نتایج بخش کیفی و کمی در این پژوهش مورد تاکید قرار گیرد، اولاً، تاکید بر پیشگیری اجتماعی بر پایه مشارکت نهادهای مدنی تاثیرگذار در جامعه است. توسعه فعالیت‌های مدنی غیردولتی که عمدتاً داوطلبانه شکل می‌گیرند، بهتر از هر گونه فعالیت کیفری و قضایی در کنترل جرایم در جامعه موفق عمل می‌کنند و تجربه قضایی و برخوردهای کیفری به‌خوبی ثابت کرده که تغییر قوانین وحشی شدت دادن کیفرها نتوانسته است بازدارندگی قابل توجهی در جامعه ایجاد کند. از طرف دیگر، با توجه به نتایج پژوهش‌های گسترده در حوزه جرم و جزا، بدون شک توسعه اشتغال و افزایش فرصت‌های شغلی، رفع نابرابری و توسعه هماهنگ در تمام بخش‌های جامعه به طور مکانیزه‌ای از آمار جرم و جنایت می‌کاهد و تمرکز بر این موارد به عنوان مهمترین راهبرد پیشگیرانه از جرایم در بسیاری از جوامع، نتیجه مطلوبی داشته است. بر همین اساس، نیاز است ساختارهای کلان حاکمیتی بخشی از انرژی خود را برای مسایل زیربنایی مانند توسعه زیرساخت‌های اشتغال‌ساز، رفع بی‌عدالتی، توسعه جامعه و آموزش و توانمندسازی شهروندان هزینه کنند.

سپاسگزاری

پژوهشگران از عزیزانی که در فرایند ویراستاری ادبی و صفحه‌آرایی این مقاله همکاری و راهنمایی داشتند، کمال تشکر و امتنان را دارند.

منابع

- باصری، علی اکبر. (۱۳۸۴). پژوهش علمی - کاربردی درباره مواد مخدر. چاپ اول. وفاق - بکاریا، سزار. (۱۳۹۵). رساله جرایم و مجازات‌ها. ترجمه محمدعلی اردبیلی. نشر میزان - پرادل، ژان. (۱۳۸۸). تاریخ اندیشه‌های کیفری. ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی. سمت. - شیخ آبادی، اردشیر. (۱۳۷۹). مرگ‌های ناشی از استعمال مواد مخدر و داروهای توهم‌زا. مجموعه مقالات همایش بین‌المللی علمی - کاربردی جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر. جلد دوم. چاپ اول.

- حسینی، سید حسین؛ سلطانی، محمد و صفری، صادق. (۱۳۹۸). تأثیرات عدم هم‌سویی سیاست جنایی تقنینی و قضایی ایران در نگرش متهمین و محکومین جرائم مواد مخدر. حقوقی دادگستری، ۱۶(۱)، ۱۹۳-۱۶۳.

https://www.ljlj.ir/article_36456.html

- صفاتیان، سعید. (۱۳۸۲). آشنایی با مواد صناعی اعتیادآور. چاپ اول. انتشارات دبیرخانه مبارزه با مواد مخدر.

- علی آبادی، عبدالحسین. (۱۳۵۳). حقوق جنایی. ج ۱. چاپخانه بانک ملی. - معین، محمد. (۱۳۸۸). فرهنگ فارسی معین. جلد اول. انتشارات عقیل. - نوری نژاد، حسین. (۱۳۸۹). اصطلاحات و اطلاعات مواد مخدر، دفتر مقابله با جرم و مواد مخدر سازمان ملل؛ تهیه شده توسط بخش علمی و آزمایشگاهی اداره کنترل داروها و جرایم سازمان ملل. ترجمه حسین نوری نژاد. انتشارات نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، پلیس مبارزه با مواد مخدر. - ولیدی، محمدصالح. (۱۳۸۸). بایسته‌های حقوق جزای عمومی. ج ۱-۲-۳. چاپ اول. انتشارات جنگل.

- حدادزاده نیری، محمدرضا؛ حبیب زاده، محمدجعفر؛ فرجیها، محمد. (۱۳۹۹). واکاوی اثربخشی اعدام در جرایم مواد مخدر در پرتو نظریه‌های تحلیل اقتصادی جرم. پژوهش حقوق کیفری، ۸(۳۱)، ۳۹-۹.

https://jclr.atu.ac.ir/article_11669.html

- ساکی، محمدرضا؛ کونانی، سلمان. (۱۳۹۸). بایدها و نبایدهای حذف مجازات اعدام از جرایم مواد مخدر. دیدگاههای حقوق قضایی، ۲۴(۸۷)، ۱۲۹-۱۰۳.

<https://www.sid.ir/paper/217830/fa>

- صلح چی، محمدعلی؛ نصیری، شهریار. (۱۳۹۷). مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر در نظام حقوقی ایران بر اساس موازین حقوق بین‌الملل بشر، حذف یا ابقاء. حقوقی بین‌المللی، ۳۵(۵۹)، ۱۷۰-۱۴۳.

https://www.cilamag.ir/article_31887.html

- کاکاوند، شهره و میلانی، علیرضا. (۱۳۹۸). تحلیل ماده ۴۵ الحاقی به قانون مبارزه با مواد مخدر با هدف محدودسازی مجازات اعدام. *کنفرانس ملی علوم انسانی، جزیره کیش، ۴*.

<https://civilica.com/doc/937640>

- قربانی، ابراهیم؛ فتاح، محمد تقی؛ منصوری فر، وحید؛ بهرامی مهر، مختار. (۱۳۹۱). بررسی تهدیدات و تاثیرات قاچاق مواد مخدر از مرز بین ایران و افغانستان و عملکرد جمهوری اسلامی ایران در امر مبارزه. *علوم و فنون مرزی، ۱(۲)، ۸۶-۶۷*.

<https://civilica.com/doc/1190636>

- وزیران، محسن. (۱۳۸۲). *تاریخچه مواد مخدر. رفاه اجتماعی، ۹(۹)، ۲۰۲ - ۱۴۵*.

<https://www.magiran.com/paper/138861>

- شعاع کاظمی، فاطمه. (۱۳۸۶). بررسی استعمال و اعتیاد مواد روان گردان از منظر پزشکی قانونی. *پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز*.

- موسوی مجاب، سید درید؛ احمدزاده، رسول و رستمی، سینا. (۱۳۹۹). واکاوی سیاست جنایی قانون گذار در ماده ۴۵ الحاقی به قانون مبارزه با مواد مخدر. *آموزه های حقوق کیفری، ۱۷(۱۹)، ۲۷۲-۲۴۹*.

https://cld.razavi.ac.ir/article_1151.html